۲۵ : ۱۹ - چهارشنبه ۲۹ فروردين ۱۳۹۷

**در گفتگوی تفصیلی با باشگاه خبرنگاران جوان بررسی شد/ بخش اول**

[**علوم انسانی اسلامی از دیدگاه متفکران اخیر**](https://www.yjc.ir/fa/news/6475094/علوم-انسانی-اسلامی-از-دیدگاه-متفکران-اخیر)

**نظریه‌های متعددی در خصوص علوم انسانی در کشور‌های اسلامی وجود دارد که در این گزارش علوم انسانی اسلامی از دیدگاه متفکران اخیر بررسی شده است.**

به گزارش خبرنگار [**حوزه دانشگاهی**](http://www.yjc.ir/fa/sicence/168) [**گروه علمی پزشكی باشگاه خبرنگاران جوان**](http://www.yjc.ir/fa/sicence)؛ "چیزی به نام علوم انسانی اسلامی وجود ندارد" این نظر برخی از اساتید دانشگاه است، برخی معتقدند اصلا چیزی به نام علوم دینی یا علوم انسانی طبق نظر اسلام  وجود ندارد، این اظهارنظرها در حالی بیان می‌شود که علوم انسانی اسلامی در سال‌های اخیر تبدیل به یکی از مهم ترین موضوعات علمی کشور شده است.

برخی در تعریف علوم انسانی اسلامی مشکل دارند، برخی حدود و جایگاه این علوم را در کشور نامشخص می دانند و برخی هم معتقدند کشورهای اسلامی باید علوم را از دیدگاه دین و فرهنگ خود تعریف کنند، این افراد عمدتا  از روند اسلامی شدن علوم در کشور ناراضی هستند و معتقدند سرعت پیشرفت  علوم انسانی اسلامی راضی کننده نیست.

به همین بهانه به سراغ  **سید مهدی ساداتی نژاد** استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران رفتیم تا در گفت‌و‌گویی تفصیلی نظر وی در مورد علوم انسانی اسلامی را بپرسیم؛ جریان‌های فکری و رویکردهای گوناگون در برخورد با این علوم  از موارد دیگر گفت‌و‌گوی ما با ساداتی‌نژاد است.

در ادامه بخش اول گفتگوی تفصیلی خبرنگار [**حوزه دانشگاهی**](http://www.yjc.ir/fa/sicence/168) [**گروه علمی پزشكی باشگاه خبرنگاران جوان**](http://www.yjc.ir/fa/sicence)؛ با نویسنده کتاب مقدمه‌ای بر فلسفه اخلاق و  تاثیرمدرنیته بر اندیشه سیاسی معاصر ارائه می‌شود.

**علوم انسانی اسلامی شاخه‌ای از علم دینی**

**باشگاه خبرنگاران جوان**: علوم انسانی اسلامی چیست؟

ساداتی نژاد: ابتدا لازم می‌دانم از این فرصت استفاده کرده و سال جدید را به همه هموطنان عزیز تبریک عرض نمایم؛ ان‌شالله در سال جدید کشورمان، در دانشگاه‌ها و اعضای هیئت علمی ما بیش از گذشته بتوانند در مسیر توسعه کشور و پیشرفت کشور گام بردارند و ما بتوانیم در تحقق آرمان‌هایی که با انقلاب اسلامی آن‌ها را فریاد کشیدم بیش از پیش تلاش کنیم و این کشور را در راستای آن رسالت‌هایی که داریم به پیش ببریم.

بحثی که راجع به علوم انسانی اسلامی مطرح شده بحثی است که اندیشمندان سال‌هاست در حوزه علوم انسانی  درگیر آن هستند اگر بخواهیم یک جمع‌بندی نسبت به این موضوع داشته باشیم می‌توانیم بگوییم که در کشور ما دو نوع موضع گیری نسبت به علوم انسانی اسلامی وجود داشته است عده‌ای مخالف طرح این مبحث هستند و معتقدند که علم اصولا اسلامی و غیر اسلامی ندارد؛ این عده معتقدند ابدا چیزی به نام علم دینی وجود ندارد که ما بخواهیم در مورد آن صحبت کنیم؛ به نظر این افراد علم یک معرفت فراگیر است، عام و جهانی بوده و به جغرافیا یا فرهنگ  خاصی بستگی ندارد لذا با این رویکرد، بسیاری از افراد مخالف علمی دینی، علوم انسانی اسلامی و عباراتی از این دست هستند.

این دسته از افراد معتقد هستند که در مقام گردآوری ممکن است ما از اسلام هم سخن بگوییم، یعنی در گردآوری بگوییم ما از هر طریقی می‌توانیم اطلاعات به دست بیاوریم و به هر طریقی می‌توانیم معرفت خود را افزایش دهیم که یکی از این طریق‌ها هم می‌تواند روش اسلامی باشد ولی در مقام داوری نمی‌توانیم بحث علم دینی و علم غیردینی بودن  را مطرح کنیم.

در نقطه مقابل این دسته کسانی هستند که به شدت طرفدار علم دینی یا علوم انسانی اسلامی هستند، در حقیقت علوم انسانی اسلامی یک شاخه‌ای از علم دینی محسوب می‌شود و در دهه‌های اخیر به دلیل اهمیت بحث علوم انسانی اسلامی مورد توجه قرار گرفته است، حتی شورای تحول علوم انسانی هم در این زمینه  تاسیس شده است.

 باشگاه خبرنگاران جوان: شما با کدام یک از این رویکردها نسبت به علوم دینی موافقید؟

ساداتی نژاد: در ماه‌های اخیر خصوصا با نامه‌ای که آقای دکتر **رضا داوری اردکانی** نوشت و در آن به نوعی علوم انسانی اسلامی و اقدامات شورای تحول را نقد کردند اختلاف دیدگاه‌های در خصوص علوم انسانی اسلامی خیلی جدی‌تر شده است، همچنین نظریات دکتر سروش در تایید دیدگاه‌های اخیر آقای اردکانی و از سوی دیگر دیدگاه‌های مخالفینی مثل آقای خسروپناه در جواب دیدگاه آقای داوری و آقای سروش هم بر این اختلافات افزوده است.

**اگر علم دینی را درست تعریف نکنیم دچار سوءتفاهم می‌شویم**

بنده اگر بخواهم موضع خودم را بیان کنم معتقد هستم که  بحث علوم انسانی اسلامی و علوم دینی را باید درست تعریف کنیم؛ یکی از مشکلاتی که ما در حوزه علوم انسانی داریم به تعریف مفاهیم برمی‌گردد؛  اگر ما علم دینی را درست تعریف نکنیم دچار سوءتفاهم خواهیم شد و همدیگر را متهم خواهیم کرد، بنابراین ممکن است من یک تعریفی از علم دینی یا از علوم انسانی اسلامی ارائه دهم که واقعاً این تعریف حتی برای افرادی که الان به عنوان مخالف صحبت می‌کنند مورد قبول واقع شود و بگویند با این رویکرد ما هم قبول داریم که می‌شود علم اسلامی باشد، ممکن هم هست ما با شرایطی این علوم را تعریف کنیم که اصلاً برای برخی از افراد قابل قبول نباشد.

**فرمول‌های ریاضی دینی و غیردینی ندارند**

برخی می‌گویند آیا ریاضیات اسلامی و غیر اسلامی دارد؟ معلوم است که فرمول‌های ریاضی مثل جامد و مشتق اصلاً بحث دینی و غیردینی ندارند، این یک معرفت ریاضی است یا  در حرفه‌ پزشکی مطرح می‌شود اگر بخواهید قلب را عمل کنید جراحی اسلامی یا جراحی غیراسلامی آن چگونه است؟

**مشخص شدن محل نزاع متفکران حوزه علوم انسانی اسلامی راه به نقطه مشترک می‌رساند**

این خیلی مهم است که اگر ما می‌خواهیم در رابطه با علم دینی صحبت کنیم، باید ببینیم چه چیزی در ذهن داریم، این تعریف خیلی مهم است اگر ما بتوانیم محل نزاع را به درستی مشخص کنیم شاید بتوانیم به یک نقطه مشترک  هرچند اجمالی دست پیدا کنیم.

**تقسیم‌بندی موافقین علوم انسانی اسلامی به سه دسته**

در بحث رویکرد‌ها و تعاریف موافقین علم دینی یا  علوم انسانی اسلامی سه دیدگاه و سه تعریف از این علوم  به طور جدی مطرح است که در ادامه به آن اشاره می‌کنم و موضع خودم را هم در همین بحث توضیح می‌دهم.

**رویکرد تهذیبی در حوزه علوم دینی**

اولین رویکردی که در بحث علم دینی و علوم انسانی اسلامی مطرح می‌شود **رویکرد تهذیبی** است؛ بر اساس این رویکرد افراد معتقد هستند که ما باید علوم از غرب رسیده به خصوص در حوزه علوم انسانی را یک بار باز خوانی کنیم و ببینیم این مفاهیم، مولفه‌ها و موضوعاتی که در این علوم مطرح شده تا چه میزان با فرهنگ دینی ما سازگاری دارد و آن دسته از علومی که تعارضی با مسائل دینی و اعتقادی ما ندارد بپذیریم.

رویکرد تهذیبی وقتی از علوم انسانی اسلامی سخن می‌گویند بیشتر همین نگاه مد نظر آن‌هاست که ما بازخوانی کنیم و با نگاه تصحیح و تهذیب وارد بررسی علوم شویم، موضوعاتی را که اصلاً با اعتقادات ما سازگار نیست حذف کنیم و البته شاید از سوی دیگر بتوانیم موید‌هایی در دین اسلام  برای تایید آنها پیدا کنیم، دقیقا مثل کاری که ما در حوزه سیاست با پدیده‌های مدرن کرده‌ایم.

فرض بفرمایید در موضوع پارلمان یا مشروطیت، در صدر مشروطه بحثی که بین اندیشمندان و علمای ما مطرح شد این بود که اصلاً این بحث **پارلمانتاریسم** را آیا می‌توانیم قبول کنیم یا نه؟ آمدند بررسی و باز اندیشی کردند و افرادی مثل **مرحوم نائینی** و **آخوند خراسانی** گفتند این موضوع هیچ تعارضی با تعالیم دینی ما ندارد؛ براین اساس ما  نه تنها مخالفتی با این موضوعات نداریم بلکه در ین اسلام می‌توانیم با آیاتی از قرآن  که بحث شورا را مطرح کرده است موضوع پارلمان و مجلس را تایید کنیم و بگوییم که این مشروطیت می‌تواند بر آمده از شورایی باشد که در تفکر اسلامی به آن توصیه شده است.

در این رویکرد ما به دنبال این هستیم دانش‌هایی که در خارج از جغرافیای ما تولید شده را مرور و بازبینی کنیم، نسبت آن با باور‌ها و اعتقادات خود را ببینیم و با رویکردی تهذیبی آن را پاک‌سازی و  به اصطلاح گزینش کنیم؛ آن مواردی را که با باور‌های ما نسبتی ندارد حذف کنیم و  آن‌هایی را که قابل پذیرش است بپذیریم و حتی آن‌ها را ارتقا دهیم.

یک زمانی، وقتی که اندیشمندان ما با فلسفه یونان آشنا شدند فلسفه یونان را مطالعه کرده و پذیرفتند؛ به قول **شهید مطهری** در کتاب **اصول فلسفه و روش رئالیسم** مسلمان‌ها وقتی با فلسفه یونانی آشنا شدند این فلسفه ۲۰۰ مسئله بیشتر نداشت ولی مسلمان‌ها توانستند آن را تا ۷۰۰ مسئله ارتقا دهند؛ به همین روش  ما می‌توانیم موضوعات را گزینش و تحلیل کنیم و بعد آن‌ها را رشد دهیم.

من فکر می‌کنم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و **موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی** در بحث‌های اسلامی شدن علوم بیشتر این رویکرد تهذیبی را مدنظر داشته‌اند؛ به همین دلیل انواع رشته‌های علوم انسانی را می‌توانیم در موسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی داشته باشیم، یعنی همین علوم سیاسی، جامعه شناسی و اقتصاد، منتهی با رویکرد تهذیبی تدریس می‌شود؛ سعی می‌کنند با نگاه اسلامی موضوعات را بازبینی کنند و مولفه‌هایی که در این رشته‌ها با تعالیم اسلامی تضادی ندارند بپذیرند و حتی آن‌ها را بر اساس منابع اسلامی ارتقا دهند.

**علوم انسانی اسلامی با رویکرد فلسفه مضاف**

**فلسفه‌های مضاف** رویکرد دومی است که برخی از موافقین علم دینی و علوم انسانی اسلامی دارند، این دسته از افراد معتقد هستند که اصولاً ما اگر می‌خواهیم علمی را دینی کنیم نباید به سراغ آن علم رفت، بلکه باید به سراغ فلسفه آن علم برویم، دینی شدن یا غیردینی شدن یک علم  به فلسفه آن علم برمی‌گردد؛ اگر می‌خواهیم علمی را دینی‌ کنیم باید فلسفه آن را  بازخوانی کنیم و اگر شما فلسفه علم را دینی کردید به طور طبیعی آن علم هم دینی خواهد شد اما سوال اینجاست که  فلسفه علم چیست؟ فلسفه مضاف، دانش مطالعه فرانگر عقلانی یک علم یا یک رشته است،  مثلاً ما یک علم اقتصاد داریم، یک فلسفه علم اقتصاد داریم، علم سیاست داریم، فلسفه علم سیاست هم داریم اگر می‌خواهیم علم را دینی کنیم باید به سراغ فلسفه هر علمی برویم؛ فلسفه یک علم فراتر از خود علم است، فلسفه علم  راجع به چرایی آن علم صحبت می‌کند، به سیر تحول و هدف آن علم می‌پردازد. بنابر این رویکرد دوم به کلیت‌ها و ریشه‌های یک علم خاص می‌پردازد، سوال اینجاست که وقتی دینی کردن علم را مطرح می‌کنیم آیا می‌خواهیم فلسفه آن را تغییر دهیم یا نه، معنای دیگری مد نظر است.

 باشگاه خبرنگاران جوان: منظور از مضاف در عبارت فلسفه مضاف چیست؟

ساداتی نژاد: وقتی کلمه **فلسفه مضاف** را می‌آوریم، یعنی فلسفه را به عنوان یک پیشوند به آن علم اضافه می‌کنیم، فلسفه علم اقتصاد یعنی افزودن فلسفه علم اقتصاد به اصل علم اقتصاد. در این رویکرد به طور مشخص می‌توانیم از **آقای خسروپناه** به عنوان طرفداران این رویکرد یاد کنیم؛ ایشان کتابی دارند به نام **فلسفه فلسفه اسلامی** که در این اثر ایشان این موضوع را مطرح کردند.

**روش‌های مضاف علوم انسانی**

اما سومین رویکردی که موافقین علوم دینی دارند رویکرد **روش‌های مضاف** است؛ بر اساس این رویکرد وقتی ما سخن از علم دینی به میان می‌آوریم و علوم انسانی اسلامی را مطرح می‌کنیم باید به روش‌هایی که در هر دانشی به کار برده می شود توجه کنیم. روش‌هایی را که برای علم یا برای یک معرفت دنبال می‌کنیم از راه‌های تجربی و **عقلانیت تجربی** است؛ برای مثال در علم پزشکی عقلانیت تجربی است که این علم را ایجاد کرده است یعنی هر روشی در علم پزشکی حاصل تجربه‌هایی است که  قرن‌های متمادی در هر یک از رشته‌های پزشکی به دست آمده است یا ممکن است برخی از رشته‌ها به دلیل **عقلانیت نظری** رشد کرده باشند یعنی مثل ریاضیات جنبه تجربی نداشته باشند اما دارای جنبه نظری باشند.

گاهی هم مورد سومی به نام **معرفت دینی** وجود دارد یعنی علمی را از طریق عقلانیت تجربی، عقلانیت نظری و یا معرفت‌های دینی به وجود بیاریم؛ گاهی هر سه مورد در رشد یک علم موثر هستند؛ ما وقتی داریم در علم دینی سخن می گوییم می‌خواهیم علاوه بر عقلانیت تجربی و نظری بتوانیم از معرفت های برآمده از دین هم استتفاده کنیم.

روش‌های مضاف به این معنا است که در حل مسائل علمی علاوه بر عقلانیت نظری و عقلانیت تجربی از عقلانیت دینی هم استتفاده کنیم یا معرفت برآمده از دین را هم وارد تحلیل‌های علمی کنیم؛ اگر هر سه مورد را کنار هم ببینیم علم دینی را شاهد خواهیم بود؛ اگر در حوزه علوم انسانی علاوه بر عقلانیت تجربی و عقلانیت نظری از منابع دینی هم استفاده کردیم رویکرد دینی و علم دینی خواهیم داشت.

به طور مشخص اعضای فرهنگستان علوم که در حال حاضر آقای میرباقری از شاگردان **سید منیرالدین هاشمی** متولی آن هستند؛  در بحث علم دینی یا علوم انسانی اسلامی طرفدار این رویکرد هستند.

باشگاه خبرنگاران جوان:  کدام رویکرد نسبت به علم دینی موثر است؟

ساداتی نژاد: اگر بخواهیم یک نگاه منطقی به موضوع علم دینی داشته باشیم می‌توانیم بگوییم که از هر سه دیدگاه مطرح شده در فرآیند علوم انسانی اسلامی می‌توانیم استفاده کنیم؛ به دلیل اینکه تولید علم دینی و علوم انسانی اسلامی موضوع ساده‌ای نیست، در نگاه کوتاه مدت به رویکرد تهذیبی مراجعه کنیم؛ در میان مدت می‌توانیم روی فلسفه مضاف و فلسفه علم کار کنیم و در بلند مدت به بررسی روش‌های مضاف بپردازیم.

کد خبر: ۶۴۷۶۴۹۳

**در گفتگوی تفصیلی با باشگاه خبرنگاران جوان مطرح شد/ بخش دوم**

[**تا گفتمان‌سازی نکنیم علوم اسلامی به سرانجام نخواهد رسید/ می‌خواهیم منابع دینی را در کنار منابع تجربی و نظری اضافه کنیم**](https://www.yjc.ir/fa/news/6476493/تا-گفتمان‌سازی-نکنیم-علوم-اسلامی-به-سرانجام-نخواهد-رسید-می‌خواهیم-منابع-دینی-را-در-کنار-منابع-تجربی-و-نظری-اضافه-کنیم)

استاد دانشگاه تهران گفت: تا گفتمان‌سازی نکنیم تا جامعه دانشگاهی و علمی ما متوجه نشود که می‌شود در مسیر علوم دینی گام برداشت این کار به سرانجام نخواهد رسید.

به گزارش خبرنگار [**حوزه دانشگاهی**](http://www.yjc.ir/fa/sicence/168) [**گروه علمی پزشكی باشگاه خبرنگاران جوان**](http://www.yjc.ir/fa/sicence)؛ "چیزی به نام **علوم انسانی اسلامی** وجود ندارد" این نظر برخی از اساتید دانشگاه است، برخی معتقدند اصلا چیزی به نام علوم دینی یا علوم انسانی طبق نظر اسلام  وجود ندارد، این اظهارنظرها در حالی بیان می‌شود که علوم انسانی اسلامی در سال‌های اخیر تبدیل به یکی از مهم ترین موضوعات علمی کشور شده است.

برخی در تعریف علوم انسانی اسلامی مشکل دارند، برخی حدود و جایگاه این علوم را در کشور نامشخص می دانند و برخی هم معتقدند کشورهای اسلامی باید علوم را از دیدگاه دین و فرهنگ خود تعریف کنند، این افراد عمدتا  از روند **اسلامی شدن علوم** در کشور ناراضی هستند و معتقدند سرعت پیشرفت  علوم انسانی اسلامی راضی کننده نیست.

به همین بهانه به سراغ  سید مهدی ساداتی نژاد استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران رفتیم تا در گفت‌و‌گویی تفصیلی نظر وی در مورد علوم انسانی اسلامی را بپرسیم؛ جریان‌های فکری و رویکردهای گوناگون در برخورد با این علوم  از موارد دیگر گفت‌و‌گوی ما با ساداتی‌نژاد است.

در ادامه بخش دوم گفتگوی تفصیلی خبرنگار [**حوزه دانشگاهی**](http://www.yjc.ir/fa/sicence/168) [**گروه علمی پزشكی باشگاه خبرنگاران جوان**](http://www.yjc.ir/fa/sicence)؛ با نویسنده کتاب مقدمه‌ای بر فلسفه اخلاق و  تاثیرمدرنیته بر اندیشه سیاسی معاصر ارائه می‌شود.

**به جای علم اقتصاد اسلامی، مکتب اقتصادی داریم**

**باشگاه خبرنگاران جوان**:  آیا می‌توانیم ادعا کنیم توانسته‌ایم علوم انسانی اسلامی ایجاد کنیم؟

ساداتی نژاد: تولید علوم انسانی اسلامی فرآیند پیچیده‌ای دارد، نمی‌توان تولید این علوم را ساده پنداشت، اصولا برای تولید علم نمی‌توان زمانی مشخص کرد، چنان که مرحوم محمد باقر صدر در کتاب اقتصادنا این بحث را مطرح می‌کنند که ما در حال حاضر **علم اقتصاد اسلامی** نداریم بلکه چیزی که ما اکنون داریم مکتب اقتصادی است.

ما اکنون علم اقتصاد اسلامی نداریم بلکه یک سری اصول کلی و مبانی داریم که علم باید بر اساس آن‌ها تولید بشود کما اینکه اقتصاد غرب هم طی پنج قرن ایجاد شد، یعنی از آدام اسمیت که تئوری‌های اقتصادی را مطرح کرد تا ریکاردو و کینز و و برخی اقتصاددانان معاصر همگی در یک پروسه سعی و خطا دائم در تلاش بودند تا علم اقتصاد  تولید شود.

این حرف را من قبول دارم که تولید علم اسلامی یک فرآیند طولانی است، ما الان نمی‌توانیم ادعا کنیم که علوم سیاسی اسلامی داریم، نمی‌گوییم اقتصاد اسلامی یا روانشناسی اسلامی داریم، ما تنها مکتب این علوم را داریم؛ یکسری مبانی این علوم را داریم که در واقع با کمک آنها می‌توانیم در یک فرایند زمانی به دانش و علم برسیم ولی دستیابی به علم اسلامی یک امر محالی نیست که بگوییم اصلا نمی شود به آن دست یافت.

**علوم انسانی اسلامی به جای نرسیده که بتوانیم آن را به همه معرفی کنیم**

ما الان چیزی نداریم که بتوانیم ادعا کنیم علم اسلامی است کارهایی که انجام دادیم هم در حدی نیست که این ادعای ما را اثبات بکند و شاید آقای دکتر **داوری** اردکانی هم بر همین اساس آن نامه را نوشتند و علوم انسانی اسلامی را نقد کرده‌اند که این علوم به جای نرسیده‌اند،  این حرف، حرف درستی است؛ علوم انسانی اسلامی هنوز به جای نرسیده است که ما بتوانیم آن را به همه معرفی کنیم اما فرایند تولید علم، فرآیندی است که ممکن است یک قرن طول بکشد تا بتوان آن را کامل کرد.

**فقط هدف یک علم می‌تواند دینی یا غیردینی باشد**

یکی از شخصیت‌های مهم و اثرگذار در این بخش علوم انسانی اسلامی فردی به نام فرید العطاس  استاد جامعه شناسی دانشگاه سنگاپور است،  وی معتقد است ما در هر علمی ۴ مسئله داریم، یک موضوع،  دو مسئله، سوم روش و چهارم هدف؛ وقتی ما از علم دینی صحبت می‌کنیم فقط در مسئله چهارم یعنی بحث هدف می‌توانیم دین را مطرح کنیم و در موضوعات، مسائل و روش‌ها  نمی‌توانیم علوم را به دینی و غیردینی تفکیک کنیم؛ در واقع سه موضوع اول روش دینی و غیردینی ندارد، تنها چیزی که در آن می‌توان بخش دینی و غیردینی را از هم تفکیک کرد، هدف یک علم است، هدف از یک علم می‌تواند دینی یا غیردینی باشد برای مثال شکافتن هسته یک اتم در علم فیزیک دینی و غیر دینی ندارد؛ مسئله علم فیزیک ماده است؛ تنها می‌توانیم بگوییم هدف از علم فیزیک چیست؟ ما دنبال چه چیزی از علم فیزیک هستیم؟ چه منافعی را دنبال می‌کنیم؟ این هم در حقیقت یک رویکرد است به علم دینی یعنی چه هدفی را از یک علم داریم.

**باشگاه خبرنگاران جوان:** آیا رویکرد فرید العطاس را می‌توان به علوم انسانی هم تعمیم داد؟

ساداتی نژاد: فرید العطاس معتقد است حتی در علوم انسانی هم روش‌ها خیلی ربطی به دین ندارند؛ بحث‌های مربوط به مسائل جامعه‌شناسی  چه در آمریکا  و چه در جامعه اسلامی یکسان است؛ موضوع جامعه شناسی موضوعات اجتماعی است و خیلی ربطی به دین و غیر دینی ندارد، ولی هدف از بررسی‌های جامعه شناختی در جامعه در آمریکا و در ایران ممکن است متفاوت باشد. آمریکا از علم جامعه‌شناسی دنبال چه اهدافی است و یا  در یک جامعه دینی هدف از علم جامعه شناسی چه چیزی می‌تواند باشد؟  این موضوع را من از این جهت مطرح کردم که خیلی مهم است که موضوع بحث را روشن کنیم؛ برداشت ما از علم دینی یا علوم انسانی اسلامی چیست؟

**سه گام عملی در تدوین علوم انسانی اسلامی**

من معتقدم که ما وقتی از علوم انسانی اسلامی سخن می‌گوییم، سه کار را باید انجام دهیم؛ در گام اول باید ببینیم موضوعاتی را که در هر علمی مطرح می‌کنیم با نیاز‌های جامعه چقدر منطبق است؟ بعضی وقت‌ها بعضی موضوعات در علوم مطرح می‌شود که با نیاز‌های جامعه ما هماهنگ نیست؛ وقتی از علم اسلامی سخن می‌گوییم باید به این نکته توجه داشته باشیم که آیا آن موضوعات و مسائل و روش‌ها که در آن علم مطرح می‌شود با نیاز‌های یک جامعه اسلامی هماهنگ است یا خیر؟  پس به یک معنا ما باید توجه داشته باشیم که وقتی می‌گوییم ما می‌خواهیم علم دینی تولید کنیم، وقتی می‌خواهیم یک علوم انسانیِ اسلامی داشته باشیم،  یعنی ما می‌خواهیم کاری انجام دهیم که با نیاز‌های جامعه دینی ما همسو باشد.

**می‌خواهیم منابع دینی را در کنار منابع تجربی و نظری اضافه کنیم**

 گام دوم این است که  آیا ما می‌توانیم محتوا و منابعی را در هر علمی، (که اینجا علوم انسانی مدنظر است) تغییر دهیم؟ آیا می‌توانیم تحولی در آن به وجود بیاوریم؟  یعنی متناسب با نیاز‌های جامعه اسلامی محتوای این رشته‌ها را با نگاه دینی برآمده از منابع وحیانی تغییر دهیم؟ آیا می‌توانیم چنین چیزی را متصور باشیم؟ البته این به معنای کنار گذاشتن روش‌های دیگر و یا‌ بی‌اهمیت کردن منابع عقلی و نظری نیست؛ آن‌ها هم سر جای خودش ما می‌خواهیم منابع دینی را در کنار منابع عقلی و نظری اضافه کنیم؛ در کنار منبع نظری یک منبع نقلی و وحیانی هم داشته باشیم؛ در حقیقت گام دوم  تغییر محتوا و افزودن منابع دینی است.

گام سوم این است که ببینیم آیا می‌توانیم روش‌هایی ایجاد کنیم که متناسب با  نیاز‌های جامعه ما باشد؛ روش تولید علم دینی باید هماهنگ با نیازها و شرایط جامعه سنجیده شود که این موضوع، بسیار مهمی است.

علوم انسانی اسلامی دانشی است که اهداف و نیازهای جامعه دینی را لحاظ می‌کند

**باشگاه خبرنگاران جوان:** به نظر شما این سه سطح باید همزمان و همگام با همدیگر پیگیری شوند یا تقدم و تاخری وجود دارد؟

ساداتی نژاد: چاره‌ای جز این نداریم که گام به گام حرکت کنیم؛ یعنی اولویت‌بندی را رعایت کنیم و بر اساس اولویت‌ها و توانایی‌های خودمان که در **جامعه اسلامی** و **جامعه دینی** می‌بینیم و با توجه به ظرفیت‌هایی که در دانشگاه وجود دارد این مراحل را اولویت‌بندی کنیم؛ به هر حال  در تولید علم دینی در آغاز راه هستیم و نمی‌توانیم اکنون ادعا کنیم که ما کسانی را تربیت کرده‌ایم که بتوانند ما را به آن اهداف بلندی که در ابتدای انقلاب هم از آن سخن گفتیم برسانند؛ خیلی باید کار و تلاش کنیم، فعلاً تا رسیدن به  وضع آرمانی و مطلوبی که انتظار داریم باید گام به گام در این مسیر قدم برداریم.

**در تولید علوم انسانی اسلامی پیشرفت زیادی نداشتیم**

اگر بخواهم موضع خودم را مشخص کنم، بنده طرفدار این رویکرد هستم که می توانیم علوم انسانی اسلامی داشته باشیم ولی منظور من از علوم انسانی اسلامی متوجه جهت‌گیری‌ها و هدف علم است، یعنی بنده معتقدم علوم انسانی اسلامی که از آن سخن می گوییم دانشی است که رویکردها، جهت‌گیری‌ها، اهداف و نیازهای جامعه دینی را لحاظ کند؛ حال ممکن است با جامعه غربی یا علوم انسانی تولید شده در دانشگاه جامعه غیراسلامی همخوانی داشته باشد؛ یک مواردی  هم ممکن است کلا متفاوت با علم غربی باشد.

**تا گفتمان‌سازی نکنیم علوم اسلامی به سرانجام نخواهد رسید**

متأسفانه  الان نمی‌توانیم ادعا کنیم که در حوزه علوم انسانی اسلامی خیلی پیشرفت داشتیم و در ابتدای مسیر هستیم، راهی که طبیعتاً کوتاه هم نخواهد بود، ما در دو دهه اخیر صرفاً بیشتر در فضای گفتمان سازی حرکت کردیم و فکر می کنم فعالیت  مراکز و مجموعه‌‌هایی که در حوزه علوم انسانی اسلامی کار کرده‌اند چیزی فراتر از گفتمان‌سازی نبوده است، مقالاتی که در این حوزه وجود دارد بسیار محدود است و به آن شاخص‌هایی که ما از علوم انسانی اسلامی می خواهیم محقق کنیم فاصله بسیاری دارد لذا بیشتر فعالیت‌ها در زمینه گفتمان‌سازی بوده که البته  به عنوان یک مقدمه لازم  بوده، یعنی تا ما گفتمان‌سازی نکنیم تا جامعه دانشگاهی و علمی ما متوجه نشود که می‌شود در مسیر علوم دینی گام برداشت این کار به سرانجام نخواهد رسید.

**فقه در حوزه موضوعات مورد نیاز‌ جامعه خیلی کار نکرده**

**باشگاه خبرنگاران جوان:** به نقش دانشگاه ها و  مراکز علوم انسانی اسلامی اشاره کردید؛ عده‌ای معتقدند که حوزه‌های علمیه در **تولید علوم دینی و علوم انسانی اسلامی** درجا زدند؛ برخی معتقدند فکر حوزه های علمیه بیشتر به فقه نماز و طهارت متمرکز شده است؛ عده‌ای هم رابطه بین حوزه و دانشگاه را آنقدر ضعیف می دانند که معتقدند این دو نهاد علمی نمی‌توانند در تشکیل علوم انسانی اسلامی نقش موثری ایفا کنند؛  آیا به نظر شما این مشکل در حوزه و دانشگاه وجود دارد؟ آیا اگر مشکلی وجود دارد ایرادی ساختاری است که برای مثال به ساختار حوزه مربوط است یا صرفاً در نحوه مدیریت این دو ارگان اشکالاتی وجود دارد؟

ساداتی نژاد: بعضی از علوم هستند که بعد از ظهور ادیان به وجود آمدند، شما به  دانش فقه اشاره کردید خب  اگر ما چیزی به نام  اسلام نداشتیم چیزی هم به نام فقه اسلامی وجود نداشت، در حقیقت بعضی از علوم برآمده از دین هستند، علومی مثل همین علم فقه، کلام و فلسفه اسلامی دقیقاً این‌ها وابسته به دین هستند، دانش فقه می‌تواند  به بحث اسلامی‌سازی سایر علوم کمک کند چراکه علم فقه زمینی‌ترین دانش اسلامی است زیرا می‌خواهد تکلیف یک فرد مسلمان را در این دنیا مشخص کند که در زیست مسلمانی خود چه کار‌هایی را  باید انجام دهد، بنابراین علم فقه می‌توانند این ظرفیت را داشته باشد که به ما نشان دهد اگر بخواهیم به سمت اسلامی شدن علوم حرکت کنیم چه کار باید انجام دهیم البته ما بحث فقه اقتصادی، فقه اجتماعی و فقه سیاسی را هم داریم، یعنی می‌خواهم بگویم که خود علم فقه می‌تواند نسبت به سایر علوم یک رویکرد و جهت‌گیری‌هایی داشته باشد.

معتقدم که حوزه‌های علمیه ما نتوانستند به سطح مورد انتظار از حوزه‌ها برسند؛ فقه ما بیشتر در حوزه موضوعات فردی و موضوعات عبادی رشد داشته، ولی در حوزه فقه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و مواردی که امروزه از  نیاز‌های جامعه ماست خیلی کار نشده است، نمی‌خواهم بگویم که کاری صورت نگرفته است بلکه به خصوص بعد از انقلاب اسلامی خیلی حوزه فقه متحول شده است، خیلی از موضوعات کتاب‌های مختلف و بحث‌های مختلف مطرح شده، ولی من می‌خواهم بگویم که به همان دلیلی که ما از نرسیدن به علوم انسانی اسلامی سخن گفتیم، در بحث فقه هم ما این ضعف‌ها را داریم، این ضعف‌ها هم عوامل زیادی دارد؛ باید بررسی شود که چرا حوزه پاسخگو نیست؛  هنوز ما به یک فقه جامع و کامل  نرسیده‌ایم، در علوم انسانی اسلامی هم چیزی به عنوان محصول تولید نکرده‌ایم که بتوانیم ادعای آن را داشته باشیم؛ انتظار این است که حوزه‌های علمیه در اسلامی‌سازی علوم نقش موتری داشته باشند ولی به اعتقاد من  تا به امروز فعالیت‌های آنان در حد قابل دفاعی نبوده است.

انتهای پیام/